



۲۰۱۶/۰۱/۰۷

عارف عباسی

## تروریزم، پیدایش و تشکل آن

### بخش دوم

از جناب محترم مدیرمسئول سایت آریانا افغانستان آنلاین و هموطنان عزیز طلب بخشایش دارم چه معاذیر صحتی موجب تأخیر در تکمیل بخش دوم این بحث گردید.

قبل از ادامه این مبحث لازم به تذکر می دانم که نظام های اسبدادی با مقتضیات عصر کنونی در تضاد بوده سلب حق طبیعی، مجاز و مشروع یک ملت در تعیین سرنوشت وطن شان است این حق نباید توسط اعمال زور، جبر، فشار و ایجاد ارباب از مردم به یغما برده شود. تغییر حالت و رهایی از شرائط اختناق و استبداد باید زاده اراده مردم توسط یک رهبری شائسته، بیدار و آگاه بصورت خود جوش از بطن جامعه باشد، طرح و تطبیق مفکوره های اصلاحات و تغییرات تعیین مسیر سیاسی برای یک کشور توسط دیگران بدون شناخت واقعی همه جوانب یک جامعه با به کنار بردن نیرو های ملی بر بنیاد سیاست های معین و مشخص توسط عده گماشتگان و اجیران بصورت تحمیلی فرو پاشی همه جانبه و از هم گسیختن شالوده سیاسی و اجتماعی و برهم زدن نظم یک جامعه بوده زمینه تبارز نیرو های مخرب را فراهم گردانیده حالاتی را بار می آورد که به مراتب آسیب آفرین بوده و حتی مردم محکوم این تحولات نوریدی و تحمیلی زیست تحت نظام های دکتاتوری را نسبت به چنین مداخلات علنی و خلاف منافع ملی را توسط بیگانگان ترجیح می دهند. چنانچه مثال های برانزده در توضیحات پایانی این حالات را بصورت واقعی تبارز می دهد.

### ۲- تشکل و سازمان دهی تروریزم:

در این بخش بصورت تسلسل وقایع یا Chronological order می بینیم که در سازماندهی آنچه امروز بحیث تروریزم شناخته می شود و خطری برای امنیت و آرامش دنیا ایجاد نموده اکثراً ابتکار عمل به دست خود این جریانات نبوده مولود مداخلات و تهاجمات مسلحانه بیگانگان است. گرچه عقاید و فعالیت های متشنت وجود داشته که در محیط های محدود تبارز نموده اما عروج آن بحیث یک و یا چندین سازمان متشکل بین المللی با نشانه ها و علامات فارقه خاص باهم گره خوردن، پیوند و وصله زدن عقاید و آن را در یک اتحاد نظر معین و مشخص مسیر بخشیدن را میتوان در عوامل دبگری سراغ نمود که زاده ماجراجویی های سیاسی و نظامی برحسب اهداف مراجع قدرت و اعطای حق خودی سرنوشت سازی جهان است. اگر دوائی معالج تسکین درد است با خود عوارض جانبی مهلک تری همراه دارد. نبرد های از پا انداختن رقبای جنگ سرد، سیاست های تحمیل راه و رسم سیاسی خود بردگران از طریق تغییر رژیم ها زیر نقاب دموکراسی و

تطبيق آن با قوت های مدهش نظامی عمدتاً زمینه ساز پیدایش و تشکل شبکه های تروریستی بوده است که هریک بصورت جداگانه مورد بحث قرار می گیرد.

در بخش اول از نابدلی دنیا با تروریزم سازمان یافته در چند دهه قبل تذکر دادیم و حالا شرائط و مراحل پیدایش آن را در قضایای مختلف مرور می نمایم.

## الف - مبارزه افغانستان علیه استعمار شوروی:

رد پای تروریزم سازمان یافته بدون دولت را میتوان برای نخستین بار در مداخله سیاسی و نظامی امریکا با پیروی از دکترین برزنزسکی و ریگن در درهم شکستن کمونزم و فروپاشی رقیب بزرگش در جنگ سرد به بهای خون دو ملیون افغان و ویرانی سرتاسری افغانستان در مبارزه استقلال طلبی افغان ها علیه شوروی وقت پیدا نمود.

امریکا با بهره برداری کامل و مطلوب از این فرصت برای از پا در آوردن رقیب بدون کشاندن پای عساکر خود در ماجرا سرمایه گذاری هنگفت نموده و احساسات مسلمانان را زیرکانه و به موقع مناسب وسیله قرار داد و تعداد کثیر پیروان این دین را که مبارزه علیه الحاد را فرض خود می دانستند از شرق میانه و افریقا مخفیانه استخدام نموده شامل ستیز نموده و نام جهاد را به روی اهداف خاص با تیبانی پاکستان بالای این مبارزه اطلاق و صبغه ملی آزادی خواهی که در عروق و شرائین رزمندگان این سر زمین نسل به نسل جا داشت کم رنگ ساختند و عناصر ملی گراء و مترقی جامعه را کنار زدند، افغان نه گفته است و نمی گوید که جهاد نه نموده ولی در عقب این هویت بخشیدن های تورییدی و تحمیلی اهداف خاصی نهفته بود که زمینه مزدور گیری را فراهم ساخته و شرائطی را خلق کرد که دیگران از آن بهره گرفتند و آتشی برافروختند که جامعه ما تا امروز در شعله های آن در سوختن است.

امریکا برای اولین بار به مصرف خود زمینه تجمع مسلمانان ملیت های مختلف را به منظور تأمین یک هدف خاص سیاسی در یک محل فراهم نموده و روحیه ستیز با غیر مسلمانان را در ذهن شان احیا گردانیده پرورش بخشید. پاکستان با صد ها مدرسه دینی با رهنمایی، هم بستگی و حمایت سازمان های استخباراتی و نظامی در بسیج نمودن، تدریس و تعلیمات جنگی مناسب ترین و مساعد ترین بستر تهداب گذاری و هم سویی اندیشوی بین داوطلبان مسلمان بود.

منابع امریکایی اسامه بن لادن را وسیله آوردن داوطلبان عرب در محاذ افغانستان می دانند در حالی که اسامه بن لادن در سالهای ۸۰ میان ممالک عربی از کدام شهرت خاص بر خوردار نبود ودر موقفی قرار نداشت که چنین تشبثی را تنظیم و رهبری نماید، در واقعیت ابن CIA امریکا بود که مراکز استخدام را در سومالیه، سودان، عربستان، کویت و امریکا (بروکلین نیویارک و شیکاگو) ایجاد و به استخدام داوطلبان مبادرت ورزید. اسناد معتبر مبنی بر شمول چیچین ها، مسلمانان چینیایی و آزادی خواهان ازبک در جنگ افغانستان در دست نیست. این مجمع عمومی اسلامی برای اولین بار در تأریخ در شرائط بی نهایت مناسب و مساعد و فراهم آوری زمینه توسط مدارس دینی پاکستان تحرک ایجاد هم بستگی عقیدوی و هدمندی را خلق نمود و تهداب اولین تشکل فرا مرزی بین الاسلامی غیر دولتی گذاشته شد. اولین تشکل بنام مکتب الخدمات توسط اسامه بن لادن و محمد اعظم رهبر جهادی های مصر در حاشیه سرحد افغانستان بنیان گذاری گردید. متعاقباً بنا بر اختلافات نظر بین اسامه و محمد اعظم در نحوه سهمگیری اعراب در جنگ افغانستان انشعاب رخ داده مکتب الخدمات متوقف و سازمان القاعده به رهبری اسامه بن لادن، محمد اعظم و عده دیگر در اگست سال ۱۹۸۸ و اواخر سال ۱۹۸۹ پا به عرصه وجود گذاشت.

در بیشترین دوران جنگ افغانستان اسامه بن لادن روابط مستقیم با CIA و استخبارات پاکستان داشته و مرادوات حسنه خود را با رهبران تنظیمی و قوماندان های جهادی افغانستان نگهداشت.

موضوعات بازگشت اسامه به عربستان سعودی و رفتن او به سودان و تحکیم هرچه بیشتر القاعده و توسعه مزید این شبکه در سودان و طرح و عملی ساختن بمبارد سفارت های امریکا در نایروبی و دارالسلام و انفجار در بالی، برگشت بن لادن به افغانستان و پیوستنش با طالبان و گشایش تعلیمگاه های تربیت ملیشه ها در افغانستان و پاکستان و بالآخره واقعه ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱، عقاید و فلسفه القاعده و موقف فعلی القاعده بحیث یک تشکل قوی و منظم و رهبری واحد و یا سازمان عقیدتی غیر متمرکز و متشتت و تشکیلات منطقی، مبارزه علیه تروریزم هریک مباحث طولانی و جداگانه بوده عطف توجه به هر بخش ایجاب تحقیق و مطالعات زیاد را می نماید و ما را از اصل بحث دور می سازد. توضیحات فشرده بالا تاحدی نقش امریکا را در زادن این سازمان تروریستی و تشکل آن نشان می دهد.

عقد توافقنامه صلح توسط امریکا با شوروی در جینوا و بی پروایی و عدم توجه امریکا برای ایجاد یک نظام مردمی بعد خروج قوای شوروی در افغانستان و نظاره گری تمام فجایع و اعمال غیر انسانی توسط رهبران تنظیمی مؤید یک واقعیت است که امریکا به روی صداقت برای آزادی مردم افغانستان و تأمین دموکراسی نیامده بود و بعد از حصول هدف خودش و ویرانی دیوار برلین نامی از افغانستان برده نشد.

## ب- تهاجم بر عراق:

قبل از اشغال عراق توسط امریکا صرف نظر از نظام نا مطلوب استبدادی صدام حسین عراق مملکتی بود با زیر بنا های قوی اقتصادی و به مقایسه دیگر ممالک شرق میانه از لحاظ معارف تعداد با سواد و متخصصین هر رشته و امور زراعت، صنعت به مراتب پیش زفته تر و از لحاظ منابع سرشار نفت مملکت غنی بود ده سال زیر تعزیرات شدید اقتصادی سر خود بالای آب نگهداشت و تمام قربانیان ظلم و ستم صدام با تلفات یک ماهه جنگ امریکا تقایسه نمی شود. یعنی امریکا بخاطر موشی کاه دان را به آتش کشید.

قبل از توضیح جنگ امریکا در عراق و نقش آن در ایجاد تروریزم و جستجوی عوامل و شرائط در تبارز و تشکل حلقات افراطی دینی و یا پیوستن نا راضیان با سازمان های تند رو بی محل نخواهد بود که بحیث ارتباط موضوع و روشنی انداختن بیشتر بر طرح ها و اهداف امریکا در قبال چند کشور شرق میانه نقل قولی از کتاب [Wesley Clark](#) (۱) تحت عنوان *Winning Modern Wars* ( بُرد جنگ های عصری «امروزی») که در سال ۲۰۰۳ چاپ شده داشته باشیم، متعاقب واقعه ۱۱ سپتمبر در پنتاگون در کتاب خود از صحبتی یادآور می شود که در آن پیرامون پلان پنج ساله غرض حمله بر پنج کشور شرق میانه اطلاع حاصل نمود.

وسلی کلارک می گوید «در ماه نومبر ۲۰۰۱ فرصتی دست داد که سری به پنتاگون بزنم و برابم زمینه صحبت با یکی از صاحب منصبان ارشد اردو میسر شد که در ضمن دیگر موضوعات گفت، آری در مبارزه علیه عراق ما تا حال در مسیر مطلوبی قرار داریم، مگر مطالب فزونتری وجود داشت که عراق جزء آن محسوب می شد و موضوع عمده عبارت از پلان پنج ساله ای بود که برای حمله بر کشور های شرق میانه شروع از عراق بعداً سوریه، لبنان، لیبیا، ایران،

سومالیه و سودان طرح شده بود، جا های دیگر با وقوع حادثه ای ۱۱ سپتمبر و تأثیرات ناشی از آن مستلزم تأکید بیشتر است که موجب تغییر محاسبه ستراتیجیک امریکا گردیده و موضوع آزادی را بار آورد.»

در تهاجم نظامی امریکا برعراق ایحاد شبکه های جدید تروریستی و تحکیم و فعالیت هرچه بیشتر القاعده موضوع اصلی بحث را می سازد این که ارمغان این ماجرا جویی به جز تباهی، ویرانی، بربادی و از هم پاشیدن شالوده اقتصادی، احتماعی و سیاسی عراق بود و عملاً عراق بسوی تجزیه رفت و تضاد مذهبی با قربانی صدها هزار شیعه و سنی شعور شد و نفوذ سیاسی، مذهبی و اقتصادی ایران توسعه یافت حقایق غیر قابل انکار است. اگر این پیامد ها اهداف نهانی امریکا را می ساخت البته که برآورده شد پس امریکا موفق است، اما اگر هدف محو دکتاتوری و تأمین دموکراسی و صیانت وحدت ملی، تمامیت ارضی رفاه و آسایش مردم، استقرار و امنیت عراق بود این اهداف نه تنها که حصول نشد بلکه نتایج برعکس بود پس نمیتوان از پیروزی امریکا سخن راند.

آن چه در عراق می گذرد خود مبین چگونگی حالی است که تهاجم پر مصرف و خونبار امریکا را با دست آورد های آن زیر سؤال می برد.

بعد از سقوط نظام استبدادی و خود کامة صدام حسین و انحلال حزب بعث تحت قیادت نظامی امریکا قدرت سیاسی، نظامی و امنیتی به دست اهل تشیع عراق تمرکز نموده سنی مذهبیان تحت فشار و مظالم گوناگون قرار گرفتند و به زعم این که سنی ها همه هواخواهان نظام سابقه اند نه تنها کدر های بلند پایه حزب بعث و صاحب منصبان عالی رتبه نظامی مورد تعقیب و باز پرس و محکوم به حبس و تحقیق و شکنجه گردیدند مردم عوام اهل سنت از گزند احساسات انتقام جویی در امان نماندند حکومت بر سر اقتدار اکثریت شیعه مذهب قوای امنیتی را تشکیل نمود که تحت نظر امریکا جوازنامه هرنوع ظلم و ستم را ذر اختیار داشته به زیر نام تأمین امنیت جنایات بس وحشتناک را خلاف تمام اصول حقوق بشر انجام دادند و سنی مذهبیان عراق برای انتقام جویی دست به قتل و ویرانی اهل تشیع زدند. و آتش پنهان اختلافات مذهبی به شدت شعور گردیده نه تنها قوای دولتی اهل تشیع بلکه ملیشه های تحت حمایه ایران در ستیز علیه سنی مذهبیان عراق برآمده این مظالم هسته اولین مقاومت را ایجاد نموده القاعده در میان سنی مذهبیان نا راض رخنه نموده تشکلات محلی را ایجاد نمودند که با قوای نظامی امریکا و مقابله با شیعیان درگیر شده از تکتیک های انتحاری و گروگان گیری استفاده نمودند. نظامیان امریکایی که تمام قدرت را بدست داشتند توسط اعمال نفوذ اهل تشیع ذهنیت ضد اهل سنت را در سر می پروراندند.

زلمی خلیل زاد بعد از تقررش بحیث سفیر امریکا در عراق در تغییر این ذهنیت نقش براننده داشته وزارت خارجه امریکا را متوجه غلط نگری و برخورد نا درست نظامیان در برابر اهل سنت عراق گردانید و سیاست ها متوجه دلجویی و جلب همکاری اهل سنت گردید. جنگ مدهش و ویران کن «فلوجه» بر تعداد مخالفین امریکا و حکومت عراق افزوده ارتباطات ناراضیان زیر چتر القاعده و تشکلات مستقل محلی توسعه پیدا نمود و وقایع دهشت افگنی به سبیل نبرد های چلیکی رو به فزونی بود که هم امریکایان هدف قرار می گرفتند و هم قوت های نظامی عراق و هم مخالفین مذهبی. کثرت و شدت این عملیات به حدی بود که قوت های دفاعی و امنیتی عراق از مهار نمودن آن عاجز ماندند و در این میان ملیشه های شیعه مذهب به تحریک ایران علیه اشغال عراق توسط امریکا مبارزه می کردند و عراق به یک جهنم جنگ داخلی تبدیل شده میلیون ها عراقی به سوریه، اردن و لبنان آواره شدند. شدت عمل نوری المالکی در برابر اهل سنت و

چشم پوشی امریکا از وجود ۳۵ فیصد سنی مذهب عراق زمینه تبارز، تسلیح و فعالیت های دهشت افگنی را بصورت وسیع و گسترده فراهم نمود .

مرکز دیگر ایجاد روابط نزدیک بین مخالفین امریکایی و حکومت عراق محبس «بوکه» یا Camp Bucca در حوالی «ام قاسی» بود که بعد از افتضاح جنایات زندان بانان امریکایی در برابر محبوسین عراقی در زندان «ابو غریب» این زندان رابحث نمونه زندان داری با وسائل عصری بنا نموده و به عوض خیمه برای محبوسین اتاق های چوبی ساخته و برای شست و شو تشناب های عمومی اعمار و اداره بعضی امور چون کورس های سواد آموزی، تدریس امور دینی و آموزش حرفوی را به خود محبوسین محول ساخت و برای شان محل مناسب برای نوشیدن چای و قهوه تهیه دیدند و حق شنیدن رادیو و تلویزیون به محبوسین داده شد. برای شان میدان فوتبال و شفاخانه تهیه گردید. محبوسین این کمپ را اعضای القاعده، افسران اردوی صدام حسین، اعضای حزب بعث و مخالفین قوی امریکا و حکومت عراق تشکیل میداد. این محبس مناسب ترین و مساعد ترین محل برای متلاقی شدن افکار و عقاید مختلف بود این کمپ بهترین پرورشگاه تنظیم، وحدت نظر و طرح ریزی های مختلف بوده زمینه معرفت دستجات مختلف را فراهم آورده و همین زندان زادگاه پیدایش داعش بشمار می رود.

در ۱۱ می سال ۲۰۰۳ نظامیان امریکایی اشتباهاً یک محبوس خطرناک که متهم به قتل هزاران شیعه بود، بنام محمد جواد ان-نیفوس، از این زندان آزاد نمودند که فعلاً او از فعالین داعش است. گورستان دسته جمعی قربانیان ان-نیفوس بعداً کشف گردید. تعداد زیاد محبوسین خطرناک از این محبس فرار کردند.

بعد از خروج قوای نظامی عراق بی ثباتی در این کشور به اوج خود رسیده و نیرو های تربیت شده و تمویل شده نظامی و امنیتی عراق توان مقاومت و مدیریت اوضاع را نداشته بحران بس بزرگی بر زندگی عراق مستولی است. کرد ها نیمه مستقل بوذه به قاچاق مواد نفتی مصروف اند، شیعیان روز به روز با حمایت ایران تقویه شده تحت عنوان مبارزه با داعش نفوذ خود را بر مناطق اهل سنت پهن می نمایند و سنی هابعد از منحل شدن حزب بعث قادر به ایجاد یک تشکل واحد سیاسی نشدند اکثریت با جریانات مختلف تند رو دینی و یا گروه های دهشت افگن پیوستند. دولت اسلامی داعش شهر های مهم عراق را تصرف به هزاران بیگناه را قتل عام و آبدات بی نهایت ارزشمند تاریخی را ویران کرده اسلحه ثقیل، مهمات و وسائط نقلیه را از پایگاه های عسکری به غنیمت گرفته و سپاهیان عراقی بدون مقاومت فرار نمودند. فعلاً شپاه داعش را بیشتر اهل سنت عراق، سوریه و داوطلبان جوان از اروپا و امریکا می سازد.

حلاصه دلایل و عوامل ایجاد بحران بی ثباتی، نبود امنیت و متلاشی شدن تمامیت ارضی و جنگ های بلا وقفه مذهبی و پیدایش جریانات تند رو دینی تقویت القاعده و عروج ناعش در اشغال نظامی امریکا راه می یابد و این حالت و بحران در حضور نظامی امریکا وجود داشت و بعد از خروج قوت های نظامی اش به قوت و شدت بیشتر و خطرناکتر ادامه دارد نفوذ ایران از هر لحاظ در عراق روبه توسعه بوده و احتمال جای پا یافتن روسیه هم میرود.

( ایران به مالکی سی ملیون دالر داد و مقام صدارتش را برای بار سوم تعهد سپرد که به ادامه خدمت اردوی امریکا موافقه نکند)

این جنگ برای آزادی و دمو کراسی نبوده بلکه برپادی و تباهی یک کشور با قربانی صد ها هزار انسان و مصرف بلیون ها دالر. بوده است.



## ج- بستر سازی تروریسم در لیبیای بعد از معمرالقضافی:

ثبات و استقرار نسبی لیبیا در عدم معرفت مداخله کنندگان با ساختار اجتماعی آن کشور و تغافل در ایجاد حکومت وسیع البنیاد ملی و ربودن ابتکار عمل از دست مردم لیبیا به ثننت و پراگندگی و تشکیل چندین حکومت گردید.

حکومت به رسمیت شناخته شده بین المللی « شورای نمایندگان » توسط « کانگره سرتاسری ملی » از پایتخت « تریپولی » به « تبروک » رانده شد و حکومت موازی ایجاد گردید. مترادف به آن شهر های مهم لیبیا توسط رهبران قبائل اداره می گردد و گروه های تروریستی متصرفات خود را دارند یعنی نظم، قانون، استقرار و ثبات وجود نداشته و زدو خورد های مسلحانه بین گروه های مخالف صورت می گیرد. از تشکلات توسعه تروریسم و موجودیت داعش گفته می شود ولی بصورت مشخص و معین این گروه ها شناسایی نشده و سندی مؤثقی در مورد موجودیت و فعالیت داعش وجود ندارد و در کل لیبیا دستخوش یک بحران و متلاشی شدن است.

معمرالقضافی توانسته بود که این کشور قبائلی و کثیرالاقوام را توسط پنجه های پولادین قوت نظامی و استخباراتی قوی متحد نگهدارد و مردم لیبیا در یک رفاه نسبی اقتصادی زندگی نموده و زمینه کار برای اعراب و افریقایی های ممالک دیگر در لیبیا میسر بود، امروز لیبیا دستخوش رقابت های قدرت طلبی بوده اگر آخرین توافق ماه دسمبر ۲۰۱۵ بین دو ساختار مهم رقیب به پیروزی نینجامد نه تنها لیبیا بسوی تجزیه خواهد رفت بلکه با موقعیت مهم ستراتیجیک بین افریقا و اروپا به واحه تروریسم تبدیل خواهد شد.

لیبیا مثال دیگری از سیاست های تغییر رژیم و آوردن دموکراسی با ارمغان های شوم آن.

## د- زادگاه دولت اسلامی «داعش» و تعدد گروه های افراطی مذهبی در جنگ داخلی سوریه:

مردم سوریه به پیروی از نهضت بهار عرب و تأمین حکومت مردم سالار و رهایی از نظام دکتاتوری چندین ساله بر سر اقتدار اقلیت «علوی» و وارث دکتاتور شداد سوریه حافظ الاسد دست به تظاهرات مسالمت آمیز زدند و خواهان نظام دموکراسی و عدالت اجتماعی بودند این قیام زمینه تطبیق پلان طرح شده قبلی امریکا را که حاوی تغییر رژیم در سوریه مانند عراق با مداخله نظامی بود میسر ساخت اما بارک اوباما با تجارب تلخ عراق خواست این هدف را از طریق دیگری بدون نقش قدم عساکر امریکایی در خاک سوریه بدست بیاورد بنابراین مخالفین مسلح را ایجاد نموده در صدد از پا در آوردن بشارالاسد گردیدند، اما اوضاع به نحوی انکشاف نمود که باعث ایجاد خطر احتمالی برای اسرائیل بود چه در اثر مداخلات مخالفین مسلح از یک طرف حزب الله لبنان عملاً داخل جنگ شد و از جانبی ایران کمک های مالی و نظامی خود را برای حمایت رژیم بشارالاسد عرضه کردند ماجرای سوریه برخلاف لیبیا بعد دیگری پیدا کرد که چین و روسیه را غربی ها مانند مداخله لیبیا غافلگیر نتوانسته چین از لحاظ دیپلوماسی عملاً شامل صحنه شد و روسیه از راه دیپلوماسی و نظامی در برابر تصمیم امریکا و متحدینش که تغییر رژیم بود حکومت بشارالاسد را حمایت نمودند. عربستان سعودی و ممالک دیگر خلیج و ترکیه مخالفین حکومت سوریه را تجهیز و تسلیح نمودند و این ماجرا جویی ها یک فاجعه بزرگ انسانی را خلق نموده بیش از ۱۵۰۰۰۰۰ سوریایی کشته و میلیون دیگری بیخانمان آواره و در بدر شدند. در میان همه کشمکش های رقابت میان حامیان و مخالفین داخلی و خارجی رژیم بر سر اقتدار سوریه علاوه بر سازمان القاعده و

جریان نصر هیولای دهشتناک دولت اسلامی عراق و سوریه بنام داعش تبارز نمود که با تصرف بعضی شهر های ستراتیجیک سوریه و عراق دولت اسلامی خود را اعلام نمودند.

سرنوشت سوریه و مردمش دستخوش یک بازی بزرگ چندین جانبه گردیده و تا حال بر فضای هیچ کشوری به این پیمانانه پرواز طیارات جنگی و بر خاکش به این پیمانانه بمبارد نشده. ماجرای سوریه یک صحنه زور آزمایی قدرت ها و جریانات بدون دولت گردیده بشار الاسد به یک مجسمه بیروح مبدل شده که هر روز برای بقایش هزاران کشته و سوریه برباد و ویران می گردد و اراده، عقل و هوش او توسط دیگران مراقبت و نظارت می گردد ورنه خودش می داند که موجودیت او بقای سوریه و رفاه مردمش را برآورده نساخته اصرار ورزی بیشتر در ماندگاری جز ریختن خون بیشتر و ویرانی مزید حاصلی ندارد علی الرغم حمایه روس و ایران دیگر او توان اداره سوریه بحران زده را ندارد و پافشاری او یکی از عوامل مصیبت کنونی است، اگر به یک مصالحه سیاسی توافق می نمود شاید حال به این منوال نمی رسید. بحران سوریه پر قوت ترین و وحشتناک ترین جریان تروریستی را در بطن خود پروراند که نابودی آن کار آسان نیست و ادامه مبارزه به نحو جاری قربانی معصومان و ویرانی فزونتر می آفریند. و این هم مثال دیگری در خلقت تروریسم توسط مداخلات بیرونی ها.

#### **ه- تونس و مصر:**

در دو کشوری که میتوان قیام اصیل و خود جوش مردمی را علیه استبداد سراغ نمود یکی تونس و دیگری مصر است. در تونس با واژگون شدن بنای استبداد اوضاع با درایت و فراست سیاسی تحت مراقبت قرار گرفته خواسته های مردم تأمین و عدالت نسبی بر قرار از بی نظمی و تشتت جلوگیری شده نظم اعاده گردید.

در مصر قیام احساسات خفته چندین ساله ولی فاقد تشکل بود، گرچه این رستا خیز مردمی لحاظ تعداد و اراده آهنین مردم و قوت آن در دنیا بی نظیر بود اما کمتر به پیامد سیاسی و اجتماعی این قیام اندیشه بکار رفته بود سازماندهی های اضطراری اعتماد مردم را جلب نتوانسته و نقش مؤثر در راه حل سیاسی و تعیین زعامت ایفا نتوانستند فعالین میدان تحریر که مشتمل از قشر پیش تاز و مترقی مصر بود بنابر عدم آمادگی قبلی سیاسی تشکل مؤثر نداشتند که نیروی پرتوان ملی خود را برای زعامت کشور بکار برند.

در این میان حزب اخوان المسلمین با قدامت تاریخی و غنای تجارب در اولین انتخابات توسط رأی اکثریت برنده شد ولی راه و رسم سیاسی اش موافق به طبع بازیگر عمده منطقه و یار جانی امریکا نبوده به زودی زمینه برچیدن گلیم سیاسی آن با مداخله مستقیم بیرونی ها چیده شد.

در تونس سندی مبنی بر فعالیت کدام جریان قوی تروریستی وجود ندارد ولی در مصر فعالیت های پراگنه ای بدون نام و نشان موجود است.

(۱) [Wesley Clark](#) قوماندان اعلی اسبق نیرو های نظامی امریکا و ناتو

پایان



شماره ۸ از ۸ صفحه

ارسال مقالات: [info@arianafghanistan.com](mailto:info@arianafghanistan.com) و یا [spineghar@gmail.com](mailto:spineghar@gmail.com)